


Reinterpretation of the Phrase *Kalima Ṭayyiba* in Q 14: 24 Using Structural Semantics and Historical Etymology

Zahra Darvish 

PhD Student of Qur'an and Hadith Sciences,
Department of Quranic studies and Hadith, Faculty of Theology,
AlZahra University, Tehran, Iran
(corresponding author: z.darvish7@gmail.com).

BibiSadat Razi Bahabadi 

Associate Professor, Department of Quranic studies and Hadith,
Faculty of Theology, AlZahra University, Tehran, Iran
(b.razi@alzahra.ac.ir).



Abstract

Linguistic studies, as an emerging field in Qur'anic discussions, significantly aid in the correct understanding of the words and phrases of the verses. Therefore, the necessity of addressing topics in this regard is evident to everyone. This paper, using a descriptive-analytical method and focusing on an etymological approach and the structuralist semantics of syntagmatic and paradigmatic relations, examines the phrase "Kalima Ṭayyiba" in verse 24 of Surah Ibrahim. The main objective of this research is to answer the question: What interpretation does the phrase "Kalima Ṭayyiba" find based on the mentioned approach? According to the research findings, two components of influence and expression of inner thoughts are the main elements of the meaning of "Kalima." In the meaning of the word "Ṭayyib," there is a kind of goodness and pleasantness. In other words, in the semantic system of the Qur'an, any speech or action carrying a message that has a kind of influence is considered a word. If the influence is desirable and positive, it is regarded as "Kalima Ṭayyiba," and if it leaves a negative impact, it is considered "Kalima Khabītha." Also, by examining the context of the verse and comparing it with the results obtained from the semantic method, "Kalima Ṭayyiba" can be considered as encompassing everything that is true, which is embodied in the word of monotheism. Consequently, revisiting the interpretation of "Kalima Ṭayyiba" with a structuralist and historical semantic method strengthens the views of the commentators of Tafsir al-Mizān and Tafsir al-Tasnīm more effectively.

Keywords: Interpretation, Structuralist Semantics, Etymology, Kalima Ṭayyiba, Sūra Ibrāhīm.

Original Research

Received: 1/ 6/ 2024, accepted: 7/ 8/ 2024, and published: 7/ 8/ 2024, Pages: 39-62.

Publisher: Mashhad Faculty of University of Quranic Theology and Awareness.

Print ISSN: 2783-5294

Online ISSN: 2783-5308

Open access in web address: <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

 doi: 10.22034/ naghdeara.2024.460150.1214

NOTE: Latin transliteration of the bibliography is included in the final pages of this article.



بازفهم کلمه طيبة در آیه ۲۴ سوره ابراهیم با روی‌کرد ریشه‌شناختی و معناشناسی ساخت‌گرا

زهرا درویش ^{ID}

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات،

دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران

(نویسنده مسئول: z.darvish@alzahra.ac.ir)

بی‌بی سادات رضی بهابادی ^{ID}

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه الزهرا (س)، تهران، ایران.

چکیده

مطالعات زبان‌شناسی به‌عنوان عرصه‌ای نوظهور در مباحث قرآنی، در فهم صحیح الفاظ و عبارات آیات، کمک بسزایی می‌کند؛ بنابراین ضرورت پردازش به موضوعاتی در این راستا، برکسی پوشیده نیست. نوشتار حاضر با روش توصیفی-تحلیلی و تمرکز بر روی‌کرد ریشه‌شناختی و روابط همنشینی و جانیشینی معناشناسی ساخت‌گرا، به بررسی گزاره کلمه طيبة در آیه ۲۴ سوره ابراهیم می‌پردازد. هدف اصلی این پژوهش، پاسخ به این پرسش است که گزاره کلمه طيبة براساس روی‌کرد یادشده، چه تفسیری پیدا می‌کند؟ برطبق یافته‌های پژوهش، دو مؤلفه اثرگذاری و ابراز مافی‌الضمیر از مؤلفه‌های اصلی معنای کلمه است. در معنای واژه طیب نیز، نوعی نیکویی و دل‌پذیری وجود دارد. به‌عبارت‌دیگر، در نظام معنایی قرآن هر نطق یا عمل حامل پیام که دارای نوعی اثرگذاری باشد، کلمه محسوب می‌شود. چنان‌چه اثربخشی مطلوب و مثبت باشد کلمه طيبة و اگر اثر منفی برجای بگذارد، کلمه خبیثه قلمداد می‌شود. نیز با بررسی سیاق آیه و تطبیق آن با نتایج احصاء‌شده از روش معناشناسی، می‌توان کلمه طيبة را جامع هرآن‌چه حق است، دانست که در کلمه توحید تبلور دارد؛ در نتیجه، بازخوانی تفسیر کلمه طيبة با روش معناشناسی ساخت‌گرا و تاریخی، آراء مفسران تسنیم و المیزان را به نحو مؤثرتری تقویت می‌کند.

کلیدواژه‌ها: تفسیر، معناشناسی ساخت‌گرا، ریشه‌شناسی، کلمه طيبة، ابراهیم/۲۴.

مقاله پژوهشی

دریافت: ۱۴۰۳/۳/۱۲ش، پذیرش: ۱۴۰۳/۴/۱۷ش، نشر: ۱۴۰۳/۴/۱۷ش، صفحه ۳۹ تا ۶۲.

ناشر: دانشگاه علوم و معارف قرآن کریم (دانشکده علوم قرآنی مشهد)

شاپای چاپی: ۵۲۹۴-۲۷۸۳

شاپای الکترونیکی: ۵۳۰۸-۲۷۸۳

دسترسی آزاد: پایگاه اینترنتی <<http://naghdeara.quran.ac.ir>>

doi: 10.22034/naghdeara.2024.460150.1214

درآمد

آیه ۲۴ سوره ابراهیم به‌عنوان یکی از آیات مهم و پرمعنا در قرآن کریم، با تشبیه زیبای کلمه طیبه به درخت طیبه، مفهومی عمیق را بیان کرده است که ابعاد گسترده‌ای از ایمان و عمل صالح را دربرمی‌گیرد:

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ.

یکی از روش‌های تربیتی قرآن آوردن تمثیل و تشبیه است. قرآن با این شیوه، مطالب مهم عقلی را که شاید درک آن برای همگان دشوار باشد، در قالب مثل بیان می‌کند تا فهم آن آسان گردد. در این آیه، کلمه طیبه به درختی تنومند تشبیه شده که دارای ریشه‌ای ثابت و استوار است، بالندگی و پویایی دارد و ثمرات فراوانی از خود برجای می‌گذارد.

در مقابل کلمه طیبه، کلمه خبیثه یا سخن ناپاک قرار داد که در آیه بعدی به درخت پلید و بی‌ریشه تشبیه شده است، درختی که از زمین کنده شده و هیچ استواری و قرار ندارد. معلوم است که چوب خشک، میوه نمی‌دهد و کلمه خبیث یا همان کفر و شرک نیز هیچ گونه ثمری ندارد. هم‌چنین تشبیه کلمه به درخت نشان می‌دهد که این شجره دارای نظام حساب شده‌ای است. ریشه و شاخه‌ها و هر بخش آن، مأموریت و وظیفه‌ای دارند. به عبارت دیگر، وجود اصل و فرع در آن، دلیل بر حاکمیت نظام حساب شده‌ای بر آن است (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۳۳۲/۱۰؛ مدرسی، من هدی القرآن، ۴۰۲/۵).

طرح مسئله

با این وجود، مفسران بر سرعبارت کَلِمَةً طَيِّبَةً که گزاره موردنظر مطالعه حاضر است، اختلاف نظر دارند. خلاصه‌ای از این اختلاف آراء در جدول شماره ۱ نمایش داده می‌شود. گرچه بحث‌های مختلفی از سوی مفسران پیرامون این گزاره قرآنی شکل گرفته است ولی هم‌چنان این اختلاف آراء سبب ابهاماتی در تفسیر آن شده است. از سویی امروزه، کاربرت دانش معناشناسی در زمینه مطالعات قرآن کریم، نقش بسزایی در زدودن ابهامات تفسیری و تقویت و تأیید دیدگاه‌های تفسیری دارد. گرچه برخی مفسران متقدم هم‌چون طبرسی، در تفسیر مجمع‌البیان، نیز از این علم به صورت مبنایی بهره برده‌اند (بنگرید به: فتاحی‌زاده و نظری، «معناشناسی الفاظ قرآن در تفسیر مجمع‌البیان»، ۱۶۴-۱۲۵).

در مطالعه حاضر کوشش می‌شود با روش توصیفی - تحلیلی و با التفات به دو رویکرد معناشناسی ساخت‌گرا که بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی الفاظ یاد شده می‌پردازد و رویکرد ریشه‌شناسی تاریخی، به بررسی ریشه و معنای وضعی الفاظ کلمه و طيبة و سیاق گزاره مورد نظر، جهت رسیدن به مدلول اصلی این عبارت در آیه ۲۴ سورة ابراهيم دست یافته شود. هدف پاسخ به این سؤالات است که اولاً، تفسیر عبارت کَلِمَةً طَيِّبَةً با توجه به اصول دانش معناشناسی چیست؛ ثانیاً، چه مؤلفه‌های معنایی برای لفظ کلمه و طيبة با بررسی ساختار و روابط معنایی آن با سایر کلمات هم‌نشین و جانشین در قرآن کریم وجود دارد؛ ثالثاً، مؤلفه‌های معنایی بررسی ریشه‌شناختی واژگان یاد شده، تا چه میزان با مؤلفه‌های ساخت‌گرا هم‌راستا هستند؛ و رابعاً، براساس نتایج احصاء شده از روش معناشناسی، کدام آراء تفسیری تقویت یا رد می‌شوند.

جدول ۱: دیدگاه‌های تفسیری حول گزاره کلمه طيبة		
ردیف	گرایش تفسیری	مراد از کلمه طيبة
۱	عرفانی	نفس آدمی (ابن عربی، التفسیر، ۱/ ۳۲۸) - ایمان و معرفت به خدا (قشیری، لطائف الاشارات، ۲/ ۲۴۸)
۲	روایی	وجود چهارده معصوم (ع) و ولایت امیرالمؤمنین (ع) (قمی، التفسیر، ۱/ ۳۶۹؛ فرات کوفی، التفسیر، ۱/ ۲۱۹) - کلمه لا اله الا الله (بغوی، التفسیر، ۳/ ۳۷؛ سیوطی، الدر المنثور، ۴/ ۷۵)
۳	ادبی	کلمه توحید (زمخشری، الکشاف، ۲/ ۵۵۳) - لا اله الا الله (ابن عطیه، المحرر الوجیز، ۳/ ۳۳۵)
۴	تربیتی - اجتماعی	کلمه حق (سید بن قطب، فی ظلال القرآن، ۴/ ۲۰۹۸)، هر امر پاک و پربرکت اعم از عقیده و سخن (مکارم شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۰/ ۳۳۲)
۵	اجتهادی	شهادت به یکتایی خدا (طبرسی، مجمع البیان، ۱۶/ ۴۸۰)، هر بابی از ابواب علوم (طوسی، التبیان، ۱۶/ ۲۹۱)
۶	تفسیر قرآن با قرآن	اعتقاد قلبی صحیح و توحید (طباطبایی، المیزان، ۱۲/ ۵۱)، جامع هرآنچه حق است که در توحید متبلور می‌شود (جوادی آملی، تسنیم، ۴۳/ ۵۵۸-۸۶۲)

مسیر پژوهش حاضر در حوزه مطالعات معنایی قرآن از ریشه‌شناسی آغاز می‌شود. ریشه‌شناسی تاریخی یا اِتیمولوژی^۱، یکی از مهم‌ترین شاخه‌های معناشناسی تاریخی است که به بررسی سیر تحول معنایی واژه در طی ادوار مختلف زمانی می‌پردازد. مطالعات تاریخی زبان نشان می‌دهد که زبان عربی، به‌عنوان یکی از شاخه‌های زبان سامی در تمدن کهن بین‌النهرین با زبان آکدی (شمال شرقی) و زبان کنعانی، عبری، آرامی و سیرانی (شمال مرکزی) و زبان حبشی و سبائی (جنوب مرکزی) هم‌خانواده بوده است (بنگرید به: ولفنسون،

تاریخ اللغات السامیه، ۲۲-۲۶۹). زبان سامی نیز در کنار زبان‌هایی هم‌چون مصری، بربری، کوشی و چادی، شاخه‌ای از نیای بزرگتر زبانی یعنی آفروآسیایی (حامی - سامی) به‌شمار می‌آید (بنگرید به: آرلاتو، درآمدهی بر زبان‌شناسی تاریخی، ۵۵-۵۲).

در گام نخست ریشه‌شناسی تاریخی، بازگشت به ریشه‌های قدیمی‌تر و کشف معنای اصلی و لغوی واژگان مورد نظر پژوهش در میان زبان‌های سامی است. در گام دوم، تحلیل سیر تاریخی واژه و معانی آن است. از آنجایی که الفاظ در روند تاریخی، دچار تطور معنایی می‌شوند، توجه به این مسئله، منجر به رسیدن به معنای نسبی لفظ خواهد شد که در قرابت با معنای وضعی خود است. معنای نسبی همان مراد گوینده کلام از کاربست آن لفظ در عبارت است؛ در نتیجه، توجه به تحولات معنایی واژگان در رسیدن به مراد اصلی گوینده کلام در بررسی هرمنوتیکی آن ضرورت پیدا می‌کند.

در گام بعد، توجه به معنای الفاظ در ساختار می‌شود. به عبارت دیگر، معناشناسی ساخت‌گرا، زبان را در هیئت یک نظام بررسی می‌کند که کلمه‌ها در یک متن با یکدیگر در ارتباط هستند. توجه به روابط واژگانی در دو حیطه بررسی روابط هم‌نشینی واژگان کلمه و طیبه و بررسی روابط جانشینی آن‌ها صورت می‌گیرد. هم‌چنین توجه به بافت کلام که از آن با عنوان سیاق نیز یاد می‌شود، در رسیدن به معنای صحیح واژه جای گرفته در عبارت، نقش مهمی ایفا می‌کند، که در این مطالعه بدان توجه می‌شود.

۱. ریشه‌شناسی تاریخی واژه کلمه و طیبه

ریشه‌شناسی تاریخی که سیر تحولات تاریخی واژگان و الفاظ را مورد التفات قرار می‌دهد، بنابراین ضرورت دارد تا واژگان کلمه و طیبه در تطورات معنایی تاریخی خود در منابع فرهنگ‌های لغت غیرعربی و فرهنگ‌های لغت عربی مورد مطالعه قرار بگیرد.

۱-۱) الفاظ کلمه و طیبه در فرهنگ‌های غیرعربی

براساس بررسی واژگان کلمه و طیبه در فرهنگ‌های غیرعربی هم‌خانواده در زبان سامی، چنین حاصل شد که در آفروآسیایی، به‌ویژه در نواحی شمالی خاورمیانه از جمله آکدی لفظ

کلمه^۱ به معنای حشره یا نوعی از حشره هم‌چون شپش و گنه بوده است (أرل و استولبوا، فرهنگ لغت ریشه‌شناسی حامی - سامی^۲، 310). کَلَمٌ و کَلَمًا در مناطق شمالی مرکزی مشرق زمین، هم‌چون زبان عبری به معنای جریحه‌دار کردن و خوار و توهین کردن (گزنویوس، واژه‌نامه عبری - انگلیسی^۳، 484) و در زبان آرامی کلام^۴ به معنای جراحت آمده است (مشکور، فرهنگ تطبیقی...، ۱/۷۷۴).

در بخش جنوبی مرکزی، در کتیبه‌های عربی جنوبی کَلَمًا نیز به معنای سخن، گفتار، گفتگو، لفظ، واژه، زبان، صدا و صحبت کردن آورده شده است (زامیت، واژه‌نامه تطبیقی عربی قرآنی^۵، 358). در بخش جنوبی حاشیه‌ای از جمله زبان گعزی، به معنای زبان و نوعی سخنرانی اثرگذار جهت ترغیب افراد به مبارزه است (لسلاو، واژه‌نامه تطبیقی گعزی^۶، 284). بررسی ریشه‌شناختی فرهنگ لغت‌های غیرعربی، سیر تطور واژه کلمه را چنین نشان می‌دهد که در ابتدا معنای حشره، سپس جراحت و زخم و در نهایت کلام و سخن و در برخی منابع، نوع خاصی از سخن که ترغیب‌کننده است، معنا می‌شود. به نظر می‌رسد معنای حشره نیز اشاره به گزیدن حشره و ایجاد زخم بر اثر گزیدن باشد که در معنای جراحت در مرتبه بعد در برخی نواحی بین‌النهرین دنبال شده است. مؤلفه معنایی اثرگذاری، نقطه اشتراک در معنای کلمه که در ابتدا این اثرگذاری جسمی و محسوس بوده و در سیر تطور، این اثرگذاری انتزاعی شده است.

بررسی این واژه در متن کتب مقدس نشان می‌دهد که کلمه در قسمت‌های متقدم عهد قدیم، در زبان عبری با تلفظ دابار^۷ وارد شده است. کلمه یا دابار عبری به مرور به واژه لوگوس

1. Kalmatu.
2. Orel & Stolbove, *Hamito- Semitic Etymological Dictionary*.
3. Kalam.
4. Gesenius, *Lexique hébreu-anglais de l'Ancien Testament*.
5. Kelam.
6. Kallama.
7. Zammit, *A Comparative Lexical Study of Quranic Arabic*.
8. Leslau, *Comparative Dictionary of Gees*.
9. Dabhar.

یونانی برگردانده شد. البته لوگوس با خاستگاه یونانی‌اش به‌ویژه در مباحث فلسفی، به معنای کلمه، گفتار و عقل و منطق به کار برده می‌شد، ولی متکلمان یهودی، آن را معادل پیامبر یا رسول و متکلمان مسیحی آن را معادل شخص دوم تثلیث یا پسر که جنبه الوهی داشته است نامیدند (بنگرید به: نیک‌سیرت، «گفتاری در باب لوگوس»، ۲۰۹-۲۲۵). بررسی‌های انجام‌شده در متن کتب مقدس نشان می‌دهد که لوگوس یا کلمه در متن عهد قدیم در معانی متعدد هم‌چون واسطه هدایت (پیدایش ۱۵: ۱؛ اشعیا ۵۵: ۱۰)، تورات (خروج ۲۰: ۱، ۲۴: ۳؛ مزامیر ۱۲: ۶) و موجودی مستقل که فرمان صادر می‌کند (اول پادشاهان ۱۳: ۹) وارد شده است (بنگرید به: معتمدی و عبدی، «نگرشی تحلیلی...»، ۱۰۵-۱۲۸). واژه لوگوس در عهد جدید به معنای امر و پیام الهی یا پیام عیسی وارد شده است (بنگرید به: عبرانیان ۱۱: ۳؛ متی ۷: ۱۳؛ لوقا ۴: ۳۲)، ولی در مقدمه انجیل یوحنا، لوگوس یا کلمه به معنای حیات‌بخش و ازلی آمده است که آن را به پسر خدا یا خدا تفسیر می‌کنند (یوحنا ۱: ۱۴). در این بررسی نیز مؤلفه ابراز مافی‌الضمیر در معنای لوگوس یا کلمه در بخش‌هایی از عهدین دیده می‌شود.

لفظ طیب^۱ در نواحی چادیک مرکزی، به معنای برادر جوان‌تر و در زبان کوشی با تلفظ داب^۲ به معنای شخص جوان آمده است (اورل و استولبوا، فرهنگ ریشه‌شناسی...، 518). در زبان عبری طیب^۳ به معنای خوب و دل‌پذیر و در زبان سریانی طیب و طَب^۴ و زبان آرامی طِب، طَب و طیب^۵ به معنای شاد و پر نشاط است (جاسترو، فرهنگ تارگوم‌ها...، 531؛ مشکور، فرهنگ تطبیقی، ۱/ ۵۳۴).

بررسی ریشه‌شناسانه واژه طیب نیز در فرهنگ‌های غیر عربی، خصوصاً در زبان نیای آن‌ها، زبان حامی - سامی، نشان از نوعی نیکویی و دل‌پذیری در معنای واژه طیب دارد. اگر معنای

-
1. Tub.
 2. Dob.
 3. Tob.
 4. Teb ,Tob.
 5. Teb, Tab,Tayb.
 6. Jastrow, *A Dictionary of the Targumim*....

جوان نیز در معنای اولیه وارد شده، می‌تواند این معنا منتقل‌کننده مؤلفه نشاط و دل‌پذیری باشد که در زبان سریانی و عبری نیز وارد شده است.

۲-۱) الفاظ «کلمه» و «طیبه» در فرهنگ‌های لغت عربی

در بررسی ریشه لغت، سعی بر واکاوی آثار لغوی در دست از متقدم‌ترین آنها تا زمان معاصر است. ریشه کلم در قرآن ۶۰ مرتبه با الفاظی هم‌چون کَلَّمَ، کَلَّمْتُ، کَلِّمْ، کَلِّمْتُ، کَلِّمْتَهُ، کَلِّمْتُهُ و کَلِّمْتُنَا، کَلَام، يُكَلِّمُ و تَكَلِّمًا به کار رفته است. لغت‌دانان متقدم، ریشه لفظ کلمه را از کَلَّمَ بر وزن فَعَّل دانسته‌اند که در اصل به معنی جراحت و زخم است (خلیل بن احمد، العین، ۳۷۸). ازهری از لغت‌شناسان سده ۴ق نیز کَلَّمَ را به معنای زخم مطرح کرده و اشاره داشته است که الْكَلِمَةُ واژه‌ای تمیمی و الْكَلِمَةُ واژه‌ای حجازی است. هم‌چنین کلمه را بر حرفی واحد از حروف هجائی و بر لفظی واحد که دارای معنایی ذاتی و شامل گروهی از حروف است و به معنای خطبه و قصیده نیز معنا کرده است (ازهری، تهذیب اللغه، ۴/۳۱۷۹-۳۱۸۰).

ابن فارس، دلالت این لفظ را بر دو چیز دانسته است: اول؛ دلالت بر نطقی که قابل فهم است. دوم؛ دلالت بر زخم (ابن فارس، مقایس اللغه، ۵/۱۳۱). راغب پس از هم‌ردیفان خویش در لغت، سعی بر بیان وجه ارتباط بین زخم و نطق مفهومی داشته و می‌گوید: «کلم» به معنی تأثیری است که مدرک با یکی از حواس بصری یا شنوایی دریافت می‌کند، پس «کلام» به معنی سخن گفتن را با حس شنوایی درک کرده و «کلم» به معنی زخم و جراحت را با حس بینایی دریافت می‌کند. درحقیقت آنچه اشتراک بین زخم و گفتار کلامی است، در دریافت تأثیر آن است (بنگرید به: راغب اصفهانی، مفردات الفاظ القرآن، ۱/۷۲۲).

با بررسی کتب لغت عربی، به نظر می‌رسد این ریشه، به مرور زمان در معنای گفتار قابل فهم، دچار تطور معنا گردید؛ زیرا اگر در آثار گذشتگان به جراحت معنا می‌شد (برای نمونه، بنگرید به: ازدی، کتاب الماء، ۳/۱۱۲۳)، ولی تقریباً از سده ۴-۵ق در آثار راغب اصفهانی و ابن فارس معنای نَطَقِ مفهوم‌دار در کنار معنای جراحت اضافه شد (ابن فارس، مقایس اللغه، ۵/۱۳۱؛ راغب اصفهانی، مفردات، ۱/۷۲۲). از سده هشتم هجری در آثاری هم‌چون المصباح المنیر و تاج العروس، کلم را تنها به معنای اشاره به گفتار و اصواتی که مفهومی را منتقل می‌کنند و فی نفسه در انتقال معنا کفایت دارند، مطرح کرده‌اند (فیومی، المصباح

المنیر، ۲ / ۵۳۹؛ زبیدی، تاج العروس، ۱۱۷ / ۶۲۳). هم‌چنین کلمه را ابراز آن چیزی که در باطن پنهان است، از جمله افکار و منویات با هر وسیله‌ای که باشد، معنا کرده‌اند (مصطفوی، التحقیق، ۱۰ / ۱۰۷).

با توجه به بررسی معنای واژه کلمه در فرهنگ‌های لغت می‌توان دو مؤلفه ابراز مافی الضمیر و اثرگذاری را در هسته معنایی کلمه دریافت. نگارندگان بر این باورند که نطق انسان را از آن جهت کلمه می‌گویند که در اذهان به واسطه دلالت بر معانی اثر می‌گذارد. این وجه معنایی پیش‌تر در نظر راغب اصفهانی نیز بیان شد. قرشی نیز به مؤلفه اثرگذاری در لفظ کلم اشاره کرده است:

کلم در لغت به معنی تأثیر است، الفاظ را از آن جهت کلمات گفته‌اند که در نفوس و ذهن‌های شنونده تأثیر می‌کنند و کلمه به معنای زخم، اثری است که دلالت بر جراحت دارد (قرشی، قاموس قرآن، ۶ / ۱۴۱).

این وجه معنایی در فرهنگ‌های لغت غیر عربی از جمله گعزی نیز نمود دارد؛ زیرا کلمه را به معنای سخنان اثرگذار جهت ترغیب به مبارزه و جنگ دانسته است.

در بررسی معنایی لفظ طیبیه از ریشه طوب که ۵۰ مرتبه در آیات قرآن تکرار شده است حاصل شد که این ریشه در الفاظی هم‌چون طیباً، طیبات، طیبیه، طیین و طیباتکم کاربرد دارد. اهل لغت طیب بر وزن فعیل را صفت مشبّه دانسته، و آن را به معنای حلال و پاک (بنگرید به: خلیل بن احمد، العین، ۷ / ۴۶۱؛ ابن اثیر، النهایه، ۳ / ۱۴۸) و افضل هرچیز (ازدی، کتاب الماء، ۲ / ۸۴۱) مطرح کرده‌اند. بنابراین مراد از ماء طیب یعنی آب گوارا، یا بلاد طیب یعنی سرزمینی دارای خیر بسیار (همان‌جا).

هم‌چنین برخی معنای دل‌چسبی و طبع‌پسندی را مطرح کرده‌اند که حواس از آن لذت برند (بنگرید به: راغب اصفهانی، مفردات، ۱ / ۵۲۷؛ فیومی، مصباح المنیر، ۲ / ۳۸۲؛ قرشی، قاموس قرآن، ۴ / ۲۵۷). ابن منظور، طیب را ضد خبیث دانسته و براین اساس، زمین طیب را زمینی که گیاه به خوبی رشد می‌کند و زن طیب را زن عقیف و طعام طیب را به معنای غذای حلال معنا کرده است (بنگرید به: ابن منظور، لسان‌العرب، ۱ / ۵۶۳). به طور کلی می‌توان چنین استنباط کرد که هر چیزی که دارای نوعی نیکویی و خیر و خوش‌آیندی و فضیلت باشد، طیب محسوب می‌شود.

۳-۱) تحلیل دستاوردهای ریشه‌شناسی تاریخی کلمه و طيبة

براساس بررسی ریشه‌شناختی، مؤلفه‌هایی برای واژه کلمه در نظر گرفته می‌شود. براساس منابع لغت عربی و غیرعربی، لفظ کلمه در ابتدا به معنای جراحی و ایجاد اثری بر روی جسم در اثر اصابت چیزی معنا داشت و به مرور زمان به نطق و کلام منتقل‌کننده پیام تغییر معنا داد. با دقت در هر دو معنا، می‌توان دو مؤلفه اثرگذاری و القاء مافی‌الضمیر را از لفظ کلمه در هسته اولیه معنایی دریافت کرد.

در برخی آیات قرآن کریم تکیه بیش‌تر در کاربرد لفظ کلم بر وجه معنایی اثرگذاری است. مثلاً در آیه ۳۷ سوره بقره می‌خوانیم:

فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ.

گرچه در تفسیر کلمات در این آیه اختلافاتی در تفاسیر وارد شده، ولی آنچه از ظاهر آیه آشکار است، اثربخشی آن کلمات در قبول توبه آدم (ع) بود. در بررسی سیر تطوری معناشناسی تاریخی، این وجه در زبان سامی در مناطق شمالی مرکزی مثل آرامی و عبری که بر معنای جراحی و زخم دلالت داشتند، بیش‌تر دیده می‌شود.

گاه نیز قرآن بر وجه القاء مافی‌الضمیر تکیه کرده است؛ هم‌چون آیاتی که در آن‌ها از کلمه به معنای نطق و گفتار یاد می‌شود؛ مثل «وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَىٰ تَكْلِيمًا» (نساء/ ۱۶۴) یا «وَتَكَلَّمْنَا أُدْيِهِمْ» (یس/ ۶۵) که به کلام با اعضاء بدن اشاره دارد. این معنا در مناطق جنوبی مرکزی و حاشیه‌ای هم‌چون گعزی و عربی بیش‌تر دیده شد. در برخی آیات نیز هر دو وجه معنایی اثرگذاری و القاء مافی‌الضمیر معنا پیدا می‌کند؛ به‌ویژه آیاتی که از کلمه به معنای مخلوقات یاد شده است؛ هم‌چون آیه «بِكَلِمَةٍ مِّنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيحُ عِيسَىٰ ابْنُ مَرْيَمَ» (آل عمران/ ۴۵) و آیه «قُلْ لَوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لَّكَلِمَاتِ رَبِّي» (کهف/ ۱۰۹) که القاء‌کننده معنای وجود قدرت الهی در عالم آفرینش و اثربخش بودن مخلوقات در تکوین و شناخت خالق خواهد داشت. براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که دو مؤلفه اثرگذاری و ابراز مافی‌الضمیر با توجه به رویکرد معناشناسی در زمانی در معنای این لفظ در قرآن نیز به کار رفته است.

در معنای واژه طیب نیز، مؤلفه معنایی نشاط و دل‌پذیری در هسته اولیه معنایی وجود دارد. در زبان آفروآسیایی که معنای شخص جوان وارد شده بود، نیز می‌توان مؤلفه معنایی نشاط و دل‌پذیری را حاصل کرد؛ زیرا هر فردی در دوره جوانی، نسبت به سایر دوران زندگی‌اش از

نشاط بیش‌تری برخوردار است و به دلیل هدفمند بودن امور در این دوره، این نشاط بر خلاف نشاط دوران کودکی با دل‌پذیری و نیکویی همراه بوده است. هم‌چنین در نظام معنایی قرآن طیبه به هر آن‌چه که نیکو و دل‌پذیر باشد و مفهومی مثبت داشته باشد حمل می‌شود. براساس ریشه‌شناسی تاریخی، گزاره کلمه طیبه را می‌توان چنین معنا کرد که هر نطق یا عملی که دارای نوعی اثرگذاری باشد، کلمه محسوب می‌شود؛ گاه این اثر مطلوب و مثبت است که به آن کلمه طیبه می‌گویند و گاه اثر منفی برجای می‌گذارد که از آن به کلمه خبیثه تعبیر می‌شود.

۲. معناشناسی هم‌زمانی واژه کلمه و طیبه

زبان‌شناسی هم‌زمانی، زبان را در یک مقطع زمانی خاص مورد مطالعه قرار می‌دهد و به تغییر معنا در طول زمان توجه نمی‌کند (روبینز، تاریخ مختصر زبان‌شناسی، ۴۱۸). از آنجایی که پژوهش حاضر بر معناشناسی الفاظ قرآن دقت نظر دارد؛ بنابراین بخش هم‌زمانی نوشتار، براساس توجه به مؤلفه‌های معنایی الفاظ کلمه و طیبه در قرآن کریم و توجه به روابط هم‌نشینی و جانیشینی معنای گزاره در بافت کلام است.

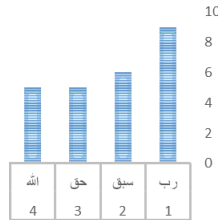
۲-۱) روابط هم‌نشینی الفاظ کلمه و طیبه در قرآن

بررسی روابط هم‌نشینی کلمات در نظام الفاظ قرآنی به چهار شاخه مکملی، اشتدادی، تقابلی و توزیعی تقسیم می‌شوند. رابطه مکملی به ساختار نحوی معطوف است و ارتباط نحوی کلمه با سایر کلمات را مورد توجه قرار می‌دهد. رابطه اشتدادی، نوعی شمول معنایی است که بر تأیید و تقویت لفظ مورد نظر توسط سایر الفاظ متمرکز است. رابطه تقابلی به تضاد واژه با سایر واژگان هم‌نشین و رابطه توزیعی نیز بین دو مفهوم واقع در یک حوزه معنایی اما با قلمروهای متمایز برقرار است، هم‌چون توزیع در جهات جغرافیایی و رنگ‌های اصلی (صفوی، درآمدی بر معناشناسی، ۹۹).

براساس نتایج پژوهش‌های صورت گرفته در بررسی واژگان هم‌نشین کلمه، به دلیل گستردگی زوج‌های معنایی کلمه که ۷۵ مورد است، تنها واژگان هم‌نشینی که پرسامدتر بوده لحاظ شده است و در مراحل بعد مبنای تعیین رابطه جانیشینی قرار می‌گیرند. از نظر پیوند ارتباط معنایی کلمه با واژگان هم‌نشین، به جز در دو مورد (آل عمران/ ۴۵؛ نساء/ ۱۷۱) که

کلمه رابطه اشتدادی با واژه «المسیح» برقرار نموده، در سایر موارد، رابطه مکملی با هم‌نشین‌های خود برقرار کرده است (شفیع‌زاده، «معناشناسی کلمه»، ۱۰۵). پربسامدترین هم‌نشین‌های کلمه در نمودار شماره ۱ نمایش داده می‌شود.

نمودار ۱: فراوانی پربسامدترین هم‌نشین‌های کلمه



برطبق نمودار شماره ۱ چهار کلمه رب، سبق، حق و الله از پربسامدترین هم‌نشین‌های کلمه در بین آیات قرآن بوده‌اند. از این بین، تنها دو واژه حق و سبق مورد توجه در استخراج واژگان جانشین کلمه در مرحله بعد قرار می‌گیرد؛ بدین منظور، بایستی هم‌نشین‌های این دو واژه نیز مورد توجه قرار بگیرد تا براساس سیاق مشترک، جانشین‌های «کلمه» احصاء گردد. لفظ طیب در قرآن با کلماتی هم‌چون رزق، ما کسب، صعیداً، قول، ذریه، مساکن، حیاة، ریح، بلده، تحیه، مشتقات کلم، ملائکه، مبارکه، حلال و خبیث هم‌نشین شده است. در این بین تنها با کلمه خبیث رابطه تقابلی، و با کلمه حلال و مبارکه، رابطه اشتدادی برقرار نموده، و در دیگر موارد رابطه مکملی داشته است. در نمودار شماره ۲ فراوانی هم‌نشین‌های طیبه در قرآن نمایش داده می‌شود. براساس نمودار شماره ۲، سه واژه رزق، حلال و خبیث به ترتیب از بسامد بالایی برخوردار اند که در تعیین روابط جانشینی مورد توجه قرار می‌گیرند.

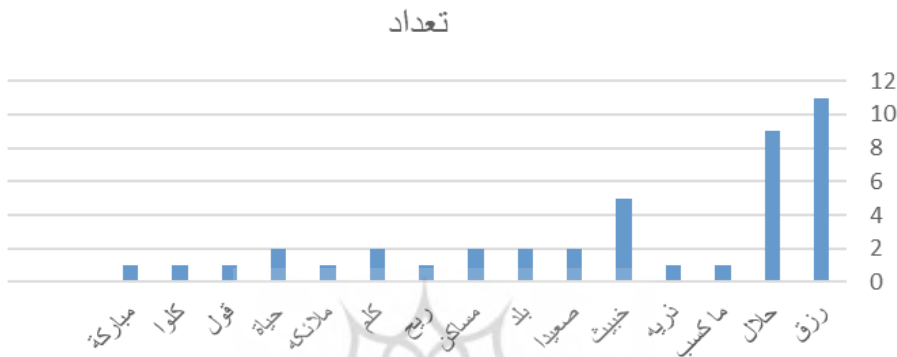
۲-۲) روابط جانشینی الفاظ کلمه و طیبه در قرآن

بررسی روابط جانشینی الفاظ با توجه به احصاء هم‌نشین‌های الفاظ مورد نظر صورت می‌گیرد. در این راستا، به جهت افزایش دامنه بسامد هم‌نشین‌های به دست آمده الفاظ کلمه و طیبه، تنها به پربسامدترین الفاظ هم‌نشین جهت استخراج جانشین‌های کلمات کلمه و طیبه پرداخته می‌شود.

برای دستیابی به واژگان جانشین کلمه، دو هم‌نشین پربسامد این لفظ یعنی واژگان سَبَق و حَقَّ مورد تحلیل قرار می‌گیرد. براساس بررسی‌های صورت گرفته، پربسامدترین هم‌نشین‌های سَبَق، الفاظ رَبَّ و قَوْل است. با توجه به این‌که رَبَّ اسم خاص خداست و تنها به او نسبت داده

می‌شود و سَبَقَ لفظی است که به هر دو جهت خدا و انسان در آیات قرآن نسبت داده شده، براین اساس رَبّ از بین زوج‌های معنایی کنار گذاشته می‌شود. در نتیجه مفهوم قول به‌عنوان پربسامدترین همنشین برای سبق و جانشین برای لفظ کلمه لحاظ می‌گردد (شفیع‌زاده، «معناشناسی کلمه»، ۱۰۵).

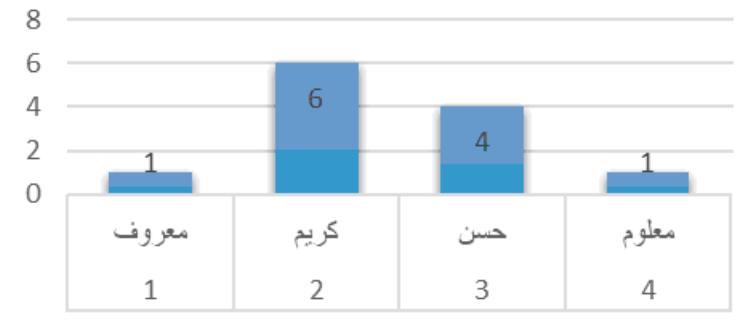
نمودار ۲. فراوانی همنشین‌های طیبه



در بررسی همنشین‌های واژه حَقّ نیز پربسامدترین مفهوم همنشین حق واژه قول است که در تمام موارد، در جایگاه فاعلی برای فعل حَقّ قرار می‌گیرد. در راستای بررسی‌های صورت گرفته در این مرحله، می‌توان اعلام داشت که واژه قول در بررسی بافت قرآنی، می‌تواند به‌عنوان جانشین لفظ کلمه در نظر گرفته شود (همان، ۱۰۵-۱۰۷).

جهت تعیین جانشین‌های طیبه در بافت زبانی قرآن، با توجه به رابطه مکملی گزاره کلمه طیبه و میزان فراوانی همنشین‌های طیبه که دارای رابطه مکملی با این لفظ است، واژه رزق از بسامد بالایی در این بین برخوردار است؛ بنابراین، در ادامه جهت تعیین روابط جانشینی، مورد توجه قرار می‌گیرد. هم‌چنین با توجه به رابطه وصفی عبارت کلمه طیبه، تنها زوج‌های معنایی که دارای رابطه وصفی با رزق هستند، لحاظ می‌گردد. در بررسی لفظ رزق در نظام معنایی قرآن، این واژه با الفاظ معروف، کریم، حسن و معلوم رابطه همنشینی از نوع مکملی - وصفی برقرار نموده است. در نمودار شماره ۳ فراوانی ارائه می‌گردد. برطبق نمودار شماره ۳، پربسامدترین همنشین رزق، واژه کریم است که می‌توان آن را به‌عنوان جانشین برای لفظ «طیب» در نظر گرفت. هم‌چنین لفظ حسن در مرتبه بعد، جانشین طیب قرار می‌گیرد.

نمودار ۳، فراوانی همنشین‌های رزق با رابطه مکملی - وصفی



در آیه ۳۱ سوره احزاب خطاب به همسران پیامبر (ص) گفته شده است:

وَمَنْ يَنْتُمْ مِّنْكُمْ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِيهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا.

ترجمه: و هر کس از شما که به فرمان‌برداری خدا و پیامبرش مداومت ورزد و کاری شایسته کند، دو بار به او پاداش دهیم. و برای او رزقی کرآمد آماده کرده‌ایم.

مفسران لفظ کریم را در آیه به معنای بریء از هرگونه آفت (طبرسی، مجمع‌البیان، ۸/۵۵۶) و گستره‌ای از مواهب مادی و معنوی (مکارم‌شیرازی، تفسیر نمونه، ۱۷/۲۸۴) و مصداق آن را الجنة برشمرده‌اند (شبر، الجواهر الثمین، ۵/۱۴۴؛ طباطبایی، المیزان، ۱۶/۳۰۸). اهل لغت نیز کریم را جامع انواع خیر و شرافت و فضیلت دانسته‌اند (ابن‌منظور، لسان‌العرب، ۱۲/۵۱۰).

۳-۲ تحلیل دستاوردها

در راستای نتایج احصاء شده از واکاوی ریشه‌شناختی تاریخی واژگان کلمه و طيبة و توجه به زوج‌های معنایی الفاظ مورد توجه مطالعه کنونی از راه بررسی معناشناسی ساخت‌گرا، مؤلفه‌های معنایی این دو واژه استخراج می‌شود. شناخت مؤلفه‌های معنایی و در نظر گرفتن آنها در بافت و سیاق آیه مورد توجه نوشتار، گام‌به‌گام مدلول اصلی آیه را از عبارت کَلِمَةً طَيِّبَةً روشن‌تر می‌کند. این مؤلفه‌های معنایی در جدول شماره ۲ نمایش داده می‌شود.

با توجه به بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی کلمه و طيبة در نظام معنایی قرآن کریم، دو مؤلفه قول و ابراز عقاید برای واژه کلمه و معانی حلال، حسن و کریم که در نهایت به نوعی مطلوبیت در معنا اشاره دارد، برای واژه «طيبة» لحاظ می‌شود. نتیجه احصاء شده از مرحله

معناشناسی هم‌زمانی، با نتایج بررسی ریشه‌شناختی دو واژه تقریباً هم‌پوشانی دارد، لیکن تنها در مؤلفه اثرگذاری، بین بررسی معنای ریشه‌شناختی و معناشناسی ساخت‌گرا، تفاوت دیده می‌شود.

جدول ۲: مؤلفه‌های معنایی الفاظ کلمه و طیبه

ردیف	واژه	مؤلفه‌های معناشناسی هم‌زمانی	مؤلفه‌های معناشناسی در زمانی
۱	کلمه	قول، ابراز عقاید	اثرگذاری، ابراز مافی‌الضمیر
۲	طیبه	حلال، حسن، کریم	نیکویی یا دل‌پذیری، نشاط

به دلیل مؤلفه اثرگذاری، به نظر می‌رسد که کلمه اخص از قول است و هر قولی کلمه نیست. براین اساس می‌توان گفت؛ سخنان و عقایدی که نیکو بوده و با ابراز آن اثرات مثبتی در عالم خلقت شکل می‌دهد، معنایی صحیح برای گزاره «کلمه طیبه» است؛ بنابراین عقاید ناب و پاک توحیدی و هر آن‌چه که مرتبط با عقیده توحیدی باشد در نقطه اوج معنای کلمه طیبیه وارد است.

بررسی‌های انجام‌شده نشان می‌دهد که هر سخن پسندیده و نیکو، لزوماً کلمه طیبه نیست. برای آنکه سخنی را کلمه طیبه بنامیم، باید علاوه بر نیکویی و پسندیدگی، تأثیری عمیق و سازنده بر شنونده بگذارد. به عبارت دیگر، کلمه طیبه کلامی است که قادر است تغییرات بنیادین و مثبت در اندیشه و رفتار انسان ایجاد کند. در مقابل، بسیاری از سخنان نیکو ممکن است صرفاً دلنشین باشند و تأثیر پایدار بر شنونده نداشته باشند؛ بنابراین کلمه طیبه محدود به سخنان نیکو نیست، بل که به آن دسته از سخنان اشاره دارد که علاوه بر نیکویی، دارای قدرت تحول‌آفرینی نیز هستند. در این راستا، عقاید توحیدی که منشأ تحولات مثبت در جهان هستی هستند، نمونه بارز کلمه طیبه محسوب می‌شوند.

هم‌چنین نتایج این مطالعه از راه بررسی معناشناسی روابط واژگانی الفاظ و روی‌کرد ریشه‌شناسانه تاریخی نشان داد که مفهوم کلمه در قرآن با مفهوم لوگوس به معنای عقل و دانایی در اصطلاح فلسفی (بلک‌برن، *واژه‌نامه آکسفورد*، I/404) و مفهوم آن در کتاب مقدس (بنگرید به: معتمدی و عبدی، «نگرشی تحلیلی...»، ۱۰۵-۱۲۸) متفاوت است. نتایج مطالعه کنونی نشان می‌دهد که آن‌چه در مقدمه انجیل یوحنا از کلمه به مفهوم ازلی و ابدی وارد شده است، با واژه کلمه در آیات ۳۹ و ۴۵ سوره آل‌عمران که به حضرت مسیح تفسیر شده و اثری از قدرت

لم یزل الهی است متفاوت است. گرچه در انجیل یوحنا نیز مراد از کلمه عیسی مسیح است، ولی تفسیر کلمه در انجیل یوحنا چنین است که آن را ازلی و پسر خدا و سپس خود خداوند مطرح می‌کند:

در آغاز کلمه بود و کلمه با خدا بود و کلمه خدا بود (انجیل یوحنا ۱: ۱۴).

کلمه نامیده شدن عیسی مسیح (ع) در قرآن کریم براساس مخلوق بودن او است؛ مخلوقی که هم چون مصداقی از کلمه کُن ایجاد است (طباطبایی، المیزان، ۳/ ۳۰۲). با بیان این تعبیر در قرآن اثری از قدرت الهی در خلقت انسان بدون پدر به نمایش گذاشته شد تا اثربخش در ایمان و باورمندی افراد به ذات خدا باشد؛ هم‌چنان‌که نمونه مشابه آن در خلقت آدم (ع) نیز مطرح می‌شود:

إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ آدَمَ خَلَقَهُ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ (آل عمران/ ۵۹).

ترجمه: مثل عیسی در نزد خدا، هم‌چون آدم است که او را از خاک آفرید، و سپس به او فرمود: «موجود باش!» او هم فوراً موجود شد.

این تفسیر از کلمه نامیده شدن عیسی مسیح (ع) با دو مؤلفه اثرگذاری و ابراز مافی‌الضمیر که پیش‌تر از راه بررسی معناشناسی ساخت‌گرا و ریشه‌شناختی استخراج شد نیز هم‌آهنگ است.

۳. سیاق آیه ۲۴ سوره ابراهیم

جهت کشف مدلول اصلی آیات قرآن، علاوه بر معناشناسی وضعی، باید به بافت کلام نیز توجه کرد. بافت کلام، فضایی است که جملات زبان در آن تولید می‌شود. بافت یا سیاق، گاه درون‌متنی و گاه برون‌متنی است و هر قرینه‌ای که ما را به مقصود اصلی کلام نزدیک کند، به‌عنوان بافت در نظر گرفته می‌شود (بنگرید به: صدر، *دروس فی علم الاصول*، ۱۰۳). با بررسی سیاق عبارت کَلِمَةً طَيِّبَةً فهم دقیق‌تری از این گزاره حاصل می‌شود.

کلمه طيبة در آیه موردنظر به شجره طيبة تشبیه شده است: «كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ». مفسران صفاتی که درخت دارد؛ مثل ریشه، شاخه، برگ و میوه را به نحوی به کلمه طيبة مرتبط دانسته‌اند. به‌عنوان مثال، ریشه آن را عقاید حق دانسته‌اند که در اعماق قلب و در نهاد بشر جای دارد؛ زیرا در خلال همین آیات، به‌عنوان نتیجه‌گیری از مثل‌ها گفته شده است:

يُؤْتِي اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ... (ابراهیم/ ۲۷).

براین اساس گفته‌اند: هر کلام حقی می‌تواند جلوه‌ای از کلمه طيبة باشد زیرا، کلام حق، ریشه‌دار و با ثبات است و هم‌چون درخت پرثمره، منفعت بسیار دارد (بنگرید به: طباطبایی، *المیزان*، ۱۲/۵۰-۵۳؛ جوادی آملی، *تسنیم*، ۴۳/۵۵۸-۵۶۲).

یکی دیگر از جنبه‌های توجه به سیاق، توجه به آیات قبل و بعد آیه موردنظر در جهت فهم‌یابی است که به آن سیاق متصل گفته می‌شود. آیه قبل، اشاره به سعادت‌مندی مؤمنین دارد که انتهای آیه با لفظ سلام ختم شده است و وضعیت بهشتیان را نشان می‌دهد: «تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ» (ابراهیم/۲۳)؛ بنابراین کلمه طيب اختصاص به افراد صالح و مؤمن داشته است.

آیه بعد، یعنی آیه ۲۵ ابراهیم، اشاره به بهره‌مندی از کلمه طيبه در هر زمانی دارد: «تُؤْتِي أَكْلَهَا كُلَّ حِينٍ بِإِذْنِ رَبِّهَا»؛ و این مثال برای همه مردم زده شده است: «وَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ لِلنَّاسِ». براین پایه، بهره‌مندی از کلمه طيبه «للناس» یعنی برای مردم است و منفعت و اثرگذاری کلمه طيبه دائمی و همگانی است.

نقطه مقابل کلمه طيبه، کلمه خبيثه است «وَ مَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيثَةٍ» (ابراهیم/۲۶). توجه به رابطه تقابلی کلمه طيبه در قرآن ما را به تفسیر دقیق‌تر نزدیک می‌کند. کلمه خبيثه در مقابل کلمه طيبه است و به همین جهت، همان اختلافاتی که در کلمه طيبه نقل شد، در کلمه خبيثه نیز وجود دارد. مفسران، مقصود از کلمه خبيثه را شرک به خدا دانسته که به درخت خبيثی تشبیه شده که از جای کنده شده باشد و در نتیجه اصل ثابت و قرار و آرام ندارد و چون خبيث است، جز شر اثر دیگری به بار نیاورد (بنگرید به: طباطبایی، *المیزان*، ۱۲/۵۰-۵۵).

عبارت کلمه طيبه و کلمه خبيثه از جمله ترکیب‌های وصفی کلمه در قرآن به شمار می‌رود که به دلیل همراهی «کلمه» با این دو صفت، به ترتیب بار معنایی مثبت و منفی پیدا کرده است. در ترکیب وصفی لفظ کلمه در قرآن می‌توان ترکیب‌های کلمه باقیه، کلمه التقوی و کلمه الفصل را به‌عنوان زیرشاخه‌های کلمه طيبه در نظر گرفت. ازسویی دیگر، ترکیب‌های کلمه الکفر و کَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ که دلالت بر شرک دارد، می‌توان زیرشاخه کلمه خبيثه باشد (بنگرید به: شفیع‌زاده و دیگران، «معناشناسی کلمه»، ۹۹-۱۳۰).

در آیه ۲۷ سوره ابراهیم:

يُبَيِّنُ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَ فِي الْآخِرَةِ...

با آوردن لفظ قول ثابت به تثبیت ایمان مؤمنان به وسیله قول ثابت اشاره دارد که با توجه به

آیات قبلی آن، می‌توان همان کلمه طیبه را مراد دانست. در ترجمه این بخش آیه، عبارت‌های «گفتار و اعتقاد ثابت» و «گفتار استوار (کلمه توحید)» در ترجمه‌های قرآن دیده می‌شود (بنگرید به: ترجمه‌های مکارم شیرازی و مشکینی، ذیل آیه). براین اساس می‌توان نتیجه گرفت که کلمه طیبه معادل قول ثابت است؛ چنان‌که برخی معاصران هم گفته‌اند:

در بررسی نظام معنایی قرآن، لفظ «قول» غالب‌ترین گونه معنایی «کلمه» است و در تمام آیات، می‌توان آن را هم‌معنا با کلمه و جانشین آن محسوب کرد (شفیع‌زاده و دیگران، «معناشناسی کلمه»، ۱۲۲).

نتیجه

مطالعه کنونی با کاربرد روش ریشه‌شناختی و معناشناسی ساخت‌گرا، سعی بر دست‌یابی به تفسیر صحیح گزاره کلمه طیبه داشته است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که دو مؤلفه اثرگذاری و ابراز مافی‌الضمیر، از مؤلفه‌های اصلی معنای کلمه با توجه به رویکرد ریشه‌شناختی تاریخی است. در معنای واژه طیب نیز، نوعی نیکویی و دل‌پذیری وجود دارد. به عبارت دیگر؛ در نظام معنایی قرآن، هر نطق یا عملی که دارای نوعی اثرگذاری باشد، کلمه محسوب می‌شود. گاه این اثر مطلوب و مثبت است که به آن کلمه طیبه می‌گویند و گاه اثر منفی برجای می‌گذارد که «کلمه خبیثه» می‌شود. هم‌چنین براساس معناشناسی هم‌زمانی، با توجه به بررسی روابط هم‌نشینی و جانشینی کلمه و طیبه در نظام معنایی قرآن کریم، دو مؤلفه قول و ابراز عقاید برای واژه کلمه و معانی حلال و حسن و کریم که در نهایت به نوعی مطلوبیت در معنا اشاره دارد، برای واژه طیبیه لحاظ می‌شود.

بررسی سیاق آیه ۲۴ سوره ابراهیم نیز نشان می‌دهد که هر کلام حق اثرگذاری، می‌تواند جلوه‌ای از کلمه طیبه باشد؛ زیرا کلمه حق هم‌چون شجره طیبه، ریشه‌دار و باثبات و پرتمر است. هم‌چنین کلمه طیبه با توجه به سیاق قبل خود به مؤمنان اختصاص یافته و با عنایت به آیه بعد، اثربخشی‌اش دائمی و همگانی است. براین اساس، با توجه به رویکرد مورد توجه نوشتار حاضر کلمه طیبه به قول یا عقیده مؤثری که دارای اثرگذاری مثبت و نیکو است، معنا می‌شود، پس می‌توان کلمه طیبه را جامع هرآنچه حق است دانست که در کلمه توحید تبلور دارد. در ساختار معنایی قرآن، عقاید توحیدمحور که می‌تواند منشأ اثرات مثبتی در عالم آفرینش در حیطه نگرشی و گرایش و کنشی باشد، حقیقت واقعی کلمه طیبه است.

تحلیل ریشه‌شناختی و ساختاری واژه کلمه در قرآن کریم حاکی از آن است که معنای این واژه در بافت قرآنی با مفهوم لوگوس که در متون مقدس یهودی و مسیحی به کار رفته و دلالت بر عقل، کلام الهی، اصل نخستین و ذات الهی دارد، تفاوت دارد. احصاء نتیجه پژوهش از راه معناشناسی هم‌زمانی و تاریخی، آراء تفسیری مفسران دو کتاب *تسنیم* و *المیزان* را تقویت نموده و دیدگاه‌های دیگر مفسران درباره این عبارت را صرفاً از نوع بیان مصادیق کلمه طیبه دانسته است.



منابع

- ۱- قرآن کریم، اصل عربی؛ نیز، ترجمه ناصر مکارم شیرازی، قم، دارالقرآن الکریم، ۱۳۷۳ش؛ ترجمه علی مشکینی، قم، الهادی، ۱۳۸۱ش.
- ۲- ابن اثیر، مبارک بن محمد، *النهايه*، قم، اسماعیلیان، ۱۳۶۷ش.
- ۳- ابن عربی، محمد بن علی، *التفسیر*، به کوشش سمیر مصطفی رباب، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۲ق.
- ۴- ابن عطیه، عبدالحق بن غالب، *المحرر الوجیز*، به کوشش عبدالسلام عبدالشافی محمد، بیروت، دارالکتب العلمیه، ۱۴۲۲ق.
- ۵- ابن فارس، احمد، *مقایس اللغه*، قم، سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۴۰۴ق.
- ۶- ابن منظور، محمد بن مکرم، *لسان العرب*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- ۷- آراتو، آنتونی، *درآمدی بر زبان‌شناسی تاریخی*، ترجمه یحیی مدرس، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، ۱۳۸۴ش.
- ۸- ازدی، عبدالله بن محمد، *کتاب الماء*، به کوشش محمدمهدی اصفهانی، تهران، دانشگاه علوم پزشکی ایران، بی تا.
- ۹- ازهری، محمد بن احمد، *تهذیب اللغه*، به کوشش ریاض زکی قاسم، بیروت، دارالمعرفه، ۱۴۲۲ق.
- ۱۰- بغوی، حسین بن مسعود، *التفسیر*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، ۱۴۲۰ق.
- ۱۱- جوادی آملی، عبدالله، *تسنیم*، به کوشش حسین اشرفی و دیگران، قم، اسراء، ۱۳۹۶ش.
- ۱۲- خلیل بن احمد، *العین*، قم، نشر هجرت، ۱۴۰۹ق.
- ۱۳- راغب اصفهانی، حسین، *مفردات الفاظ قرآن*، بیروت، دارالقلم، ۱۴۱۲ق.
- ۱۴- روبینز، آر. اچ، *تاریخ مختصر زبان‌شناسی*، ترجمه محمدهلی حق‌شناس، تهران، نشر مرکز، ۱۳۸۴ش.
- ۱۵- زبیدی، محمد بن محمد، *تاج العروس*، بیروت، دارالفکر، ۱۴۱۴ق.
- ۱۶- زمخشری، محمود بن عمر، *الکشاف*، بیروت، دارالکتب العربی، ۱۴۰۷ق.
- ۱۷- سید قطب، ابراهیم حسین، *فی ظلال القرآن*، قاهره، دارالشروق، ۱۴۱۲ق.

- ۱۸- سیوطی، عبدالرحمان بن ابی بکر، *الدر المنثور*، قم، کتابخانه مرعشی، ۱۴۰۴ق.
- ۱۹- شبر، سیدعبدالله، *الجواهر الثمین*، کویت، مکتبه الألفین، ۱۴۰۷ق.
- ۲۰- شفیع‌زاده، مرضیه و دیگران، «معناشناسی کلمه در قرآن کریم با تأکید بر روابط هم‌نشینی و جانشینی»، *پژوهش‌های قرآن و حدیث*، سال ۴۷، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۳ش.
- ۲۱- صدر، محمد باقر، *دروس فی علم الاصول*، قم، موسسه النشر الاسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ۲۲- صفوی، کورش، *درآمدی بر معناشناسی*، تهران، سوره مهر، ۱۳۹۲ش.
- ۲۳- طباطبایی، سیدمحمدحسین، *المیزان*، قم، جامعه مدرسین، ۱۴۱۷ق.
- ۲۴- طبرسی، فضل بن حسن، *مجمع البیان*، تهران، ناصر خسرو، ۱۳۷۲ش.
- ۲۵- طوسی، محمد بن حسن، *التبیان*، بیروت، داراحیاء التراث العربی، بی‌تا.
- ۲۶- فتاحی‌زاده، فتحیه و فاطمه نظری، «معناشناسی الفاظ قرآن در تفسیر *مجمع البیان*»، *مطالعات قرآن و حدیث*، سال پنجم، شماره ۹، پاییز و زمستان ۱۳۹۰ش.
- ۲۷- فرات کوفی، *التفسیر*، تهران، سازمان چاپ وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۰ق.
- ۲۸- فیومی، احمد، *المصباح المنیر*، قم، مؤسسه دارالهجره، ۱۴۱۴ق.
- ۲۹- قرشی، سیدعلی‌اکبر، *قاموس قرآن*، تهران، اسلامیه، ۱۴۱۲ق.
- ۳۰- قشیری، ابوالقاسم عبدالکریم، *لطایف الاشارات*، قاهره، هیئته المصریه العامه للکتاب، بی‌تا.
- ۳۱- قمی، علی بن ابراهیم، *التفسیر*، قم، دارالکتاب، ۱۳۶۷ش.
- ۳۲- مدرس، محمدتقی، *من هدی القرآن*، تهران، دارالمحبی الحسین، ۱۴۱۹ق.
- ۳۳- مشکور، محمدجواد، *فرهنگ تطبیقی زبان عربی با زبان‌های سامی و ایرانی*، تهران، بنیاد فرهنگ ایران، ۱۹۷۸م.
- ۳۴- مصطفوی، حسن، *التحقیق*، تهران، نگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۶۰ش.
- ۳۵- معتمدی، منصور و ولی عبدی، «نگرش تحلیلی و انتقادی به مفهوم لوگوس از یونان باستان تا آباء کلیسا»، *مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام*، سال چهل و پنجم، شماره ۹۰، پاییز ۱۳۹۰ش.
- ۳۶- مکارم شیرازی، ناصر، *تفسیر نمونه*، تهران، اسلامیه، ۱۳۷۴ش.
- ۳۷- نیک‌سیرت، عبدالله، «گفتاری در باب لوگوس»، *پژوهش‌های فلسفی - کلامی*، سال نهم،

شماره ۲، ۱۳۸۶ ش.

۳۸- ولفسون، اسرائیل، *تاریخ اللغات السامیه*، قاهره، دارالاعتماد، ۱۹۲۹ م.

- 39- Blackburn, S., *The Oxford Dictionary of Philosophy*, New York, Oxford university press, 1994.
- 40- Gesenius, William, *Lexique Hébreu-anglais de l'Ancien Testament*, translated by Edward Robinson, Boston & New York, 1907.
- 41- Jastrow, Marcus, *A Dictionary of the Targumim, the Talmoud Babli & Yerushalmi & the Midrashic literature*, London/ New York, 1903.
- 42- Leslau, Wolf, *Comparative Dictionary of Geez: (Class Ethiopic): Geez/ Engl*, Wiesbaden, Harrassowitz, 1987.
- 43- Orel, Vladimire E. & Stolbove, Olga, *Hamito- Semitic Etymological Dictionary*, Leiden, Brill, 1995.
- 44- Zammit, Martin R, *A Comparative Lexical Study of Quranic Arabic*, Leiden, Boston, Koln, Brill, 2002.



Bibliography

- 1_ The Holy *Qur'an*, Original Arabic, and also the persian translations by Nāṣer Makārem Shīrāzī (Qom, Dār al-Qur'an al-Karīm, 1373 SAH) and ʿAlī Meshkīnī (Qom, al-Hādī, 1381 SAH).
- 2_ Al-Azdī, ʿAbd Allāh b. Muḥammad, *Kitāb al-Māʿ*, ed. Muḥammad Mahdī Iṣfahānī, Tehran, Iran University of Medical Sciences [Arabic].
- 3_ Al-Azharī, Muḥammad b. Aḥmad, *Tabdhīb al-Lughba*, Beirut, Dār Ihyāʾ al-Turāth al-ʿArabī, 1421 AH [Arabic].
- 4_ Al-Baghawī, Ḥusayn b. Masʿūd, *Maʿālim al-Tanzīl*, Beirut, Dār Ihyāʾ al-Turāth al-ʿArabī, 1420 AH [Arabic].
- 5_ Al-Qummī, ʿAlī b. Ibrāhīm, *Al-Tafsīr*, Qom, Dār al-Kitāb, 1363 SAH [Arabic].
- 6_ Al-Rāghib Al-Iṣfahānī, Ḥusayn b. Muḥammad, *Mufradāt ʿAlfāz al-Qurʾān*, Beirut, Al-Dār al-Shāmiyya, 1412 AH [Arabic].
- 7_ Al-Shubbar, Sayyid ʿAbd Allāh, *Tafsīr al-Qurʾān al-Karīm*, Beirut, Dār al-Balāgha, 1410 AH [Arabic].
- 8_ Al-Suyūtī, ʿAbd al-Raḥmān b. Abī Bakr, *Al-Durr al-Mantḥūr*, Qom, Marʿashī Library, 1404 AH [Arabic].
- 9_ Al-Ṭabraṣī, Faḍl b. Ḥasan, *Majmaʿ al-Bayān*, Tehran, Nāṣer Khosrow Publishing House, 1372 SAH [Arabic].
- 10_ Al-Ṭūsī, Muḥammad b. Ḥasan, *Al-Tibyān fī Tafsīr al-Qurʾān*, Beirut, Dār Ihyāʾ al-Turāth al-ʿArabī [Arabic].
- 11_ Al-Zabīdī, Muḥammad b. Muḥammad, *Tāj al-ʿArūs*, Beirut, Dār al-Fikr, 1414 AH [Arabic].
- 12_ Al-Zamakhsharī, Mahmūd b. ʿUmar, *Al-Kashshāf*, Beirut, Dār al-Kitāb al-ʿArabī, 1407 AH [Arabic].
- 13_ Arlato, Anthony, *An Introduction to Historical Linguistics*, translated by Yahyā Modarresī, Tehran, Institute for Humanities and Cultural Studies, 1384 SAH.
- 14_ Black Burn, S, *The Oxford Dictionary of Philosophy*, Oxford New York, Oxford university press, 1994.
- 15_ Fattāḥizāde, Fathīyye and Nazārī, Fāṭeme, “Semantics of Qurʾānic Terms in *Majmaʿ al-Bayān*”, *Qurʾān and Hadith Studies*, vol. 5, issue 9, 1390 SAH [Persian]. doi. 10.30497/ quran.2012.1002

- 16_ Fayyūmī, Aḥmad b. Muḥammad, *Al-Miṣbāb al-Munīr*, Beirut, Al-Maktaba Al-‘Ilmiyya, 1405 AH [Arabic].
- 17_ Furāt b. Ibrāhīm al-Kūfī, *Al-Tafsīr*, Tehrān, Ministry of Culture and Islamic Guidance, 1410 AH [Arabic].
- 18_ Gesenius, William, *Lexique Hébreu-anglais de l'Ancien Testament*, translated by Edward Robinson, Boston & New York, 1907.
- 19_ Ibn ‘Arabī, Muḥammad b. ‘Alī, *Al-Tafsīr*, ed. Samīr Muṣṭafā Rubāb, Beirut, Dar Iḥyā’ al-Turath al-‘Arabī, 1422 AH [Arabic].
- 20_ Ibn Athīr, Mubārak b. Muḥammad, *Al-Nihāya*, Qom, Esmā‘ilīyān, 1367 SAH [Arabic].
- 21_ Ibn ‘Aṭīyya, ‘Abd al-Ḥaqq b. Ghālib, *Al-Muḥarar al-Wajiz*, Beirut, Dār al-Kutub al-‘Ilmiyya, 1422 AH [Arabic].
- 22_ Ibn Fāris, Aḥmad, *Maqāyīs al-Lugha*, Qom, Maktab al-‘Ilām al-Islāmī, 1404 AH [Arabic].
- 23_ Ibn Manzūr, Muḥammad b. Mukarram, *Lisān al-‘Arab*, Beirut, Dār al-Fikr, 1414 AH [Arabic].
- 24_ Jastrow, Marcus, *A Dictionary of the Targumim, the Talmoud Babli & Yerushalmi & the Midrashic literature*, London, New York, 1903.
- 25_ Jawādī Āmolī, ‘Abollāh, *Tasnīm*, Qom, Isrā’ Cultural Institute, 1396 SAH [Persian].
- 26_ Khālīl b. Aḥmad, *Al-‘Ayn*, Qom, Hejrat, 1409 AH [Arabic].
- 27_ Leslau, Wolf, *Comparative dictionary of Geez: (Class Ethiopic): Geez/ Engl*, Wiesbaden: Harrassowitz, 1987.
- 28_ Makārem Shirāzi, Nāṣer, *Tafsīr-e Nemūne*, Tehran, Dār al-Kutub al-Islāmīyya, 1378 SAH [Persian].
- 29_ Mashkoo, Moḥammad Jawād, *Comparative Dictionary of Arabic with Semitic and Iranian Languages*, Tehran, Iranian Culture Foundation, 1978 [Persian].
- 30_ Mo’tamedī, Manṣūr and ‘Abdī, Valī, “An Analytical and Critical Look at the Concept of Logos from the Ancient Greek to the Church Fathers”, *Essays in Philosophy and Kalam*, vol. 45, issue 90, 1390 SAH [Persian]. doi. 10.22067/philosophy.v45i1.3235
- 31_ Mudarrisī, Muḥammad Taqī, *Mīn Ḥudā al-Qur’ān*, Tehran, Muḥibbī al-Ḥusayn Publication, 1419 AH [Arabic].

- 32_ Muṣṭafawī, Ḥasan, *Al-Ṭabḥīq fī Kalimāt al-Qurʾān al-Karīm*, Tehran, Translation and Punlication of Book Foundation, 1360 SAH [Arabic].
- 33_ Nik Sīrat, ‘Abdollah, “A Discourse on Logos”, *Philosophical-Theological Research*, vol. 9, issue 2, 1386 SAH [Persian].
- 34_ Orel, Vladimire E& Stolbove, Olga, *Hamito- Semitic Etymological Dictionary*, Leiden, Brill, 1995.
- 35_ Qurashī, Sayyid ‘Alī Akbar, *Qāmūs-e Qur.ān*, Tehran, Dār Al-Kutub Al-Islāmīyya, 1412 SAH [Arabic].
- 36_ Qushayrī, ‘Abd al-Karīm b. Hawāzin, *Laṭā’if al-Ishārāt*, Cairo, al-Hay’a al-Miṣriyya al-‘Āmma li-al-Kitāb, 2000 [Arabic].
- 37_ Robins, R. H., *A Short History of Linguistics*, tr. Moḥammad ‘Alī Haq-Shenās, Tehran, Nashr-e Markaz, 1384 SAH [Persian].
- 38_ Ṣadr, Muḥammad Bāqir, *Durūs fī .Ilm al-Uṣul*, Qom, Islamic Publishing Institute, 1410 AH [Arabic].
- 39_ Ṣafavī, Kūrosh, *An Introduction to Semantics*, Tehran, Sūre-ye Mehr, 1392 SAH [Persian].
- 40_ Sayyid Quṭb, Ibrāhīm Ḥusayn, *Fī Zilāl al-Qurʾān*, Damascus, Dār al-Shurūq, 1425 AH [Arabic].
- 41_ Shafī.zāde, Marzīye, Bahārzāde, Parvīn, and Fattāhizāde, Fathīyye, “Semantic Analysis of Words in the Holy *Qurʾān* with Emphasis on Collocational and Substitutional Relations”, *Qurʾān and Hadith Studies*, vol. 47, issue 1, 1393 SAH [Persian].
- 42_ Ṭabāṭabāyī, Muḥammad Ḥusayn, *Al-Mizān*, , Beirut, Al-A‘lamī, 1417 AH [Arabic].
- 43_ William Glen, *The Holy Bible: Old Testament and New Testament*, translated by Fazel Khan Hamadani, Tehran, Asatir, 2009 [Persian].
- 44_ Wolfensohn, Israil, *History of the Semitic Languages*, Cairo, Al-I.timād, 1929 [Arabic].
- 45_ Zammit, Martin R, *A Comparative Lexical Study of Quranic Arabic*, Leiden, Boston, Koln, Brill, 2002.